

## فرهنگ انتظار و به ظهور آمدن معنای حقیقی انسان بسم الله الرحمن الرحيم

1- آیا اینچنین نیست که طی تجربه ای که بشریت نسبت به تاریخ گذشته خود دارد، اراده همگانی در حال بیدار شدن است؟ تا مردمان در انتظار شرایطی باشند که حضوری مردمی و حضور انسان کامل در کنار هم قرار گیرند؟ و انسان‌ها در امروز و فردای خود معنای زندگی را در چنین فضایی دنبال کنند؟ و این انتظار، حکایت از آن می‌کند که بشر، در آینده خود محکوم به جامعه‌ای نیست که سراسر گرفتار بحران باشد. نمونه کوچک آن را در متن انقلاب اسلامی ملاحظه کردیم که چگونه مردم، اراده حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» را اراده خود می‌دانستند.

2- به هماهنگی خاصی باید فکر کرد که بین مردم و امام جامعه برقرار می‌شود تا حقیقت، چهره حقیقی خود را در درون این نوع هماهنگی که اتصال هستی انسان‌ها است با هستی امام جامعه پیش آید و هرکس معنای نهایی خود را بیابد. یعنی هرکس «بودن» و «هستی» خود را که عین اتصال به حضرت معبود است در کنش‌های جامعه احساس کند، زیرا با انسان کاملی هماهنگ است که حضور او در همه امورش عین اتصال به حضرت معبود است.

3- جامعه‌ای که به ملکوت متصل نباشد، جامعه پریشانی است و شرط اتصال جامعه به ملکوت حضور انسانی است که نماد کامل این اتصال باشد، یعنی حضور انسان کامل. و هر اندازه جامعه به معنای واقعی در انتظار حضور چنین انسانی باشد، در واقع در انسانیتی اصیل حاضر است و این‌جا است که می‌فهمیم چرا رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» فرمودند: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْ تَظَارُ الْفَرَجِ»، و یا فرمودند: «إِنْ تَظَارُ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ».

4- انتظار یعنی نسبت به آنچه در بستر دیانت خود تا کنون حاضر بودید، آن را کافی ندانید و

به حضوری از دیانت در نزد خود امید داشته باشید که همچنان به سوی شما می‌آید و جان شما را در بر می‌گیرد تا قدرت حفظ شما را در مقابل شیطان پیچیده ای داشته باشد که امروزه با حیل‌های پیچیده‌تری به میدان آمده و باز به میدان می‌آید، زیرا با ظهور اسلام راهی گشوده شد که همه در ابتدای آن راه بودیم و هر اندازه با روحیه انتظار جلو و جلوتر رفتیم با ابعاد عمیق‌تر اسلام آشنا شدیم. این انتظار با انتظاری که انجمن حجتیه‌ای‌ها مطرح می‌کنند تفاوت اساسی دارد.

5- ما باید از خود بپرسیم، از خشونت بین انسان‌ها چگونه می‌توان رها شد، وقتی بشر هرچه بیشتر جلو آمده صورتی از خشونت را بر خشونت پیشین خود افزوده است؟ در این صورت است که متوجه می‌شویم باید به جهان دیگری نظر کرد که با انقلاب اسلامی شروع شده و در فرهنگ انتظار است که ابعاد نهفته آن انقلاب هرچه بیشتر خود را می‌نمایاند ابعاد نهفته ای که همان نظر به انسانیت انسان‌ها است. در این حالت فرهنگ انتظار، فرهنگ عبور از خشونت دیروز امویان و خشونت امروز جهان استکباری است.

6- اگر گفته‌اند برده‌ها با برده‌کردن دیگران می‌توانند از برده‌بودن خود آزاد شوند و فقرا با فقیرکردن دیگران می‌توانند از فقر خود نجات یابند؛ آیا راه دیگری هست تا انسان‌ها در کنار همدیگر و زیر سایه همدیگر به آرامش برسند؟ آیا می‌توان به آن راه فکر کرد و در انتظار آن راه لااقل به برده‌کردن و فقیرکردن دیگران فکر نکرد؟ این است معنای انتظاری که در بستر اسلام و انقلاب اسلامی می‌تواند مد نظرها قرار گیرد.

7- انتظار، ذیل آموزه‌های اسلامی، توجه به اصلاح جهانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم، مطابق با پاک‌ترین و واقعی‌ترین آرمان‌ها. با درک ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که داریم، این یعنی نظر به جهانی که واژگونی جهان مدرن را ندارد تا انسان را گرفتار

نیست‌انگاری کند. آری! با حضور در فرهنگ انتظار، انسان‌ها به معنایی از خود می‌رسند که زندگی زمینی آنان از آسمان معنویت منقطع نیست، با نظر به انسان کاملی که شخصیت او واسطه فیض بین خداوند و انسان‌ها است و در زمان غیبت امام، نایب الإمام وسیله‌ای است تا انسان‌ها از آن حضور به‌کلی بی‌بهره نباشند.

**8-** در فرهنگ انتظار نه می‌توان جامعه‌ای که اکثر فایده‌های خود را از دست داده است ترک کرد و نه می‌توان از سر ناامیدی آن را تحمل نمود - امری که بشر غربی گرفتار آن شده - باید با رویکردی دوباره آن را بازسازی کرد، زیرا به جهت توحیدی که اسلام عزیز متذکر آن است، اهدافی که برای ساختن آن جامعه مدّ نظرها است، هنوز باقی است و به همین دلیل باید همچنان امیدوارانه راه را ادامه داد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته